

حکایت استفاده کاربردی از پژوهش‌ها در ایران

اطلاعات
علوم و فناوری

فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا (چاپی) ۵۲۰۶-۱۷۳۵
شاپا (الکترونیکی) ۵۵۸۳-۲۰۰۸
نمایه در SCOPUS، LISA و ISC
<http://jlist.irandoc.ac.ir>
دوره ۲۶ | شماره ۴ | صص ۷۷۷-۷۷۹
تابستان ۱۳۹۰

یکی از چالش‌های بنیادی نظام آموزش عالی در ایران، همخوانی ضعیف آن با نیازهای بومی جامعه است. از پیامدهای این وضعیت، فاصله یا شکاف میان پژوهش‌های دانشگاهی، به‌ویژه پایان‌نامه‌ها، با نیازهای جامعه است. این شکاف را می‌توان به‌روشنی در عدم استفاده از یافته‌ها و نتایج پژوهش‌ها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آنها مشاهده کرد. در طول چند دهه اخیر که آموزش عالی در ایران رو به گسترش بوده است، انتقادات و واکنش‌های بسیاری در این مورد از سوی اندیشمندان از یکسو و نیز کارفرمایان صنایع و اقتصاد از سوی دیگر مطرح شده است. گسترش کمی دانشگاه‌ها و افزایش پذیرش دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری باعث شده است تا ظرفیت و توانایی استادان، بیشتر صرف آموزش گردد. در مقابل، عرصه پژوهش شاهد دوباره کاری‌های بسیار بوده است که دلیل عمده آن، عدم توانایی دانشجویان و یا استادان راهنما در یافتن مسأله پژوهش در حوزه‌های موضوعی مورد نیاز جامعه است. بارها شاهد آن بوده‌ایم که دانشجویان دچار نوعی سرگشتگی در یافتن مسأله مناسب برای تحقیق بوده‌اند و نتوانسته‌اند موردی را بیابند که ارزش کاربردی برای پژوهش داشته باشد. دکتر محمدحسین دیانی در سرمقاله خود در فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی به این نکته مهم اشاره دارد که جامعه دانشگاهی به جای توانایی در "مسأله‌یابی"، دچار "مسأله‌سازی" شده است.^۱ دلیل این امر را می‌توان دور شدن برنامه‌های درسی از نیازهای بومی و رویکرد نظام آموزشی به نیازهای بومی دانست که خود متأثر از عوامل گوناگون است. نکته قابل تأمل آنکه، بیشتر دانشجویان، پس از فراغت از تحصیل و جذب بازار کار شدن، به‌ندرت دست‌اندرکار استفاده از دستاوردهای پایان‌نامه خود در محیط کاری می‌شوند. این وضعیت نیز یک انقطاع میان نظام آموزش عالی، پژوهش و جامعه به‌شمار می‌رود.

۱. محمدحسین دیانی. "رواج مسأله‌سازی و افول مسأله‌یابی در تحقیقات کتابداری". فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی ۱۱ (۱)، (۱۳۸۶) پیاپی ۴۱: ۳-۶.

در طول سال‌هایی که به‌عنوان مدرس، پژوهشگر، استاد راهنما یا مشاور و یا داور فعالیت داشته‌ام به‌ندرت شاهد آن بوده‌ام که نهاد یا سازمان و یا شرکتی به‌طور مستقیم از یافته‌ها و نتایج پایان‌نامه‌ها در بهینه‌سازی محصولات یا خدمات خود استفاده کرده باشد. از سوی دیگر، اولویت‌های پژوهشی نیز که بیشتر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها تعیین کرده‌اند و در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند تا آنها را علاقه‌مند به انجام طرح‌های پژوهشی در آن زمینه‌ها کنند، کمتر به‌شکل واقع‌بینانه و کاربردی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. این وضعیت، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی و اجتماعی، حادث‌تر است.

به‌راستی مشکل از چیست؟ تاکنون نقدهای فراوانی در این زمینه در سطح جامعه دانشگاهی و سازمان‌های دولتی طرح شده است، اما چرا این مشکل همچنان پابرجاست. به‌نظر می‌رسد که واکاوی این مسأله خود به پژوهش‌های کاربردی نیاز دارد که در آنها، هم‌نگرش مدیران عالی سازمان‌ها (رویکرد از بالا) و هم‌نگرش پژوهشگران (رویکرد از پایین) مورد ارزیابی قرار گیرد. به بیان دیگر، آنچه که قرار است به‌منزله پژوهش کاربردی مورد توجه قرار گیرد باید هم مورد نیاز و تقاضای کارفرما باشد و هم در حد توانایی کارگر، یعنی پژوهشگران باشد. حال رابطه بین این دو قطب چگونه برقرار شود و شکاف موجود به چه شکلی پر شود، نیاز به اندیشیدن در چارچوب برنامه‌های کلان اقتصادی و اجتماعی و اسناد راهبردی کشور دارد. به‌نظر می‌رسد نه تنها باید به‌شکل راهبردی در سطح ملی به این مسأله پردازیم، لازم است هر نهاد، سازمان یا شرکت نیز برای نیازهای پژوهشی خود دست به تدوین برنامه راهبردی مورد نظر خود بزند. چنانچه به پیشینه سازمان‌های غیر دولتی به‌ویژه شرکت‌های بزرگ اقتصادی بیاوریم، درخواهیم یافت که آنها به‌شکل کاربردی به پژوهش‌های مورد نیاز خود پرداخته‌اند و یافته‌های حاصل از پژوهش‌ها را نیز در محصولات و خدمات خود به کار گرفته‌اند؛ به‌عبارتی، شکافی میان نیازها و پژوهش‌ها یا وجود ندارد و یا حداقل است.

اگرچه دولت‌ها در سال‌های اخیر تلاش ارزنده‌ای را برای افزایش سهم پژوهش از درآمد ناخالص ملی به انجام رسانده و موفق شده‌اند بودجه پژوهشی سازمان‌ها و دانشگاه‌ها را افزایش دهند، در این زمینه که حاصل این تلاش چه بوده و به چه انجامیده است، آنچنان جدی نبوده‌اند. به‌نظر می‌رسد مسائل و مشکلاتی که در کشور در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن وجود دارد ناشی از دور بودن پژوهش‌ها از نیازهای کاربردی جامعه است. اکنون بررسی انتقادی فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشی ضرورتی اساسی دارد، زیرا ادامه مسیر فعلی می‌تواند اثربخش نباشد. در این راستا، می‌توان اقدام‌هایی را در سطح ملی و نیز سازمانی آغاز کرد. همچنان که در برخی کشورها، اینگونه مسائل ملی در مجلس قانونگذاری آنها مورد بحث و

بررسی قرار می‌گیرد، مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند کمیسیون و یا نهادی را مسئول بررسی همه‌جانبه موضوع کند. در سطح وزارتخانه‌ها هم می‌توان چنین کمیته‌هایی را مسئول بررسی و نقد وضعیت موجود و شناسایی راهکارهای اثربخشی طرح‌های پژوهشی نمود. اما، مهمتر از آنها، خود دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی هستند که می‌توانند از دیدگاه‌های مختلف به تحلیل وضعیت خود بپردازند. البته در این زمینه، وجود دستورکارها و راهنماها و نیز نمونه‌هایی از برنامه‌های راهبردی توسعه پژوهش می‌تواند راهگشا باشد. با توجه به وجود هدف‌ها و فرایندهای مشترک در بسیاری از دانشگاه‌ها، آنها می‌توانند در تبادل تجربیات و دانش مرتبط با فعالیت‌های پژوهشی فعالیت کنند.

تجربه موفق برخی دانشگاه‌ها در برقراری ارتباط با صنعت یا ارتباط با جامعه که به شکل طرح‌های مشترک به دست آمده است و یا دانشگاه‌ها سفارش‌گیرنده طرح‌های پژوهشی بوده‌اند، نقطه مثبتی در کاربردی کردن پژوهش در ایران به شمار می‌رود. درگیر ساختن اعضای هیئت علمی و نیز دانشجویان تحصیلات تکمیلی در طرح‌های مشترک می‌تواند دیدگاه کاربردی مورد نظر را به جامعه دانشگاهی منتقل کند. توجه به جنبه کاربردی پایان‌نامه‌ها به هنگامی که پیشنهاد (پروپوزال) آنها مورد تصویب گروه آموزشی و دانشکده مربوط قرار می‌گیرد، ضرورتی حیاتی برای پر کردن شکاف میان دانشگاه‌ها و جامعه به شمار می‌رود. ناخرسندانه، آنچه اکنون در انتهای پایان‌نامه‌ها و با عنوان "پیشنهادهای کاربردی" ارائه می‌شود بیشتر جنبه صوری به خود گرفته است و مورد توجه جامعه نیازمند قرار نمی‌گیرد. انجام پژوهش‌هایی در همین مورد و رصد کردن اجرای برخی پیشنهادها ارائه شده در پایان‌نامه‌ها می‌تواند تصویر بهتری از وضعیت استفاده از پژوهش را نشان دهد. در این زمینه، استادان راهنما باید نگاه واقع‌بینانه‌تری داشته باشند و آنچه را که به منزله پیشنهادها کاربردی توسط دانشجو ارائه می‌شود، به لحاظ امکان‌سنجی کنترل کنند. از سوی دیگر، انعکاس پیشنهادها معقول و عملی پایان‌نامه‌ها از طریق اطلاع‌رسانی پیوسته و نظام‌مند به جامعه هدف می‌تواند تا اندازه‌ای شکاف موجود میان پژوهشگران و جامعه را کاهش دهد.

جان کلام آنکه برطرف کردن معضل کاربردی نبودن پژوهش‌ها در ایران نیازمند تدوین و اجرای یک برنامه راهبردی در سطوح ملی و وزارتخانه‌ای و سازمانی است.

رحمت‌الله فتاحی

سردبیر